

پرتره‌ای از چمران جنوب در قاب سینما

گفت‌وگو و
با عوامل فیلم
سینمایی
«مارون»

پگاه زارعی
گفت‌وگو

فیلم سینمایی «مارون»، تازه‌ترین اثر امیراحمد انصاری، بعد از تجربه کارگردانی آثاری همچون «هاری» و «خون مردگی» است و مانند فیلم‌های پیشین او، بازتابی از دغدغه‌های اجتماعی و شخصیت محور این فیلمساز را ارائه می‌دهد.

«مارون» روایتگر بخشی از زندگی شهید هدایت‌الله طیب، معروف به چمران جنوب، از ایل بختیاری است و تمرکز اصلی آن بر مقطع تحصیل او در دانشگاه فلوریدای آمریکا و فعالیت‌هایش تا زمان شهادت است. فیلمنامه این اثر، که توسط مهدی صاحبی نوشته و تهیه شده، به‌طور همزمان به موضوعات اجتماعی، سیاست، مافیای غذا و چالش‌های انسانی و اخلاقی قهرمان داستان می‌پردازد و سعی دارد واقعیت زندگی او را با زبانی تازه و قابل درک برای مخاطب نسل جدید روایت کند.

در «مارون»، بازیگرانی چون جمشید هاشم‌پور، امیرحسین فتحی، محمدرضا فتحی، ملیکا مبارکشینا و سازه مشه اردیل حضور دارند و ترکیب بازیگران ایرانی و بین‌المللی، تنوع بصری و فرهنگی خاصی به اثر بخشیده است. توجه ویژه به نورپردازی، رنگ‌بندی و بازسازی تاریخی فضا، به ویژه برای صحنه‌های آمریکا و دانشگاه فلوریدا، از دیگر ویژگی‌های متمایز فیلم است.

به‌بهانه نمایش این فیلم در جشنواره فجر، با کارگردان و مدیر فیلمبرداری اثر، گفت‌وگو کرده‌ایم تا از ایده‌ها، چالش‌ها و رویکردهای خلاقانه پشت دوربین پرده برداریم.

ویژگی را داشت و توانست شخصیت را برای مخاطب قابل قبول کند.

در باره بازیگران زن فیلم هم توضیح بدهید. این طور که به نظر می‌رسد، از بازیگر زن ایرانی استفاده نکرده‌اید.

بله، کاملاً درست است. دو بازیگر زن اصلی ما بازیگران غیرایرانی هستند. ما از بازیگر زن ایرانی استفاده نکردیم. حتی هنرورهایی که در فیلم حضور دارند، همگی اروپایی، ارمنی، آفریقایی یا از ملیت‌های دیگر هستند. این تصمیم کاملاً آگاهانه و در راستای حفظ باورپذیری فضای آمریکا در سال ۱۹۷۹ گرفته شد.

فیلم فضایی بین‌المللی دارد و بخشی از آن در آمریکا و ترکیه روایت می‌شود. فیلمبرداری در خارج از کشور چگونه انجام شد؟

نکته مهم این بود که ما فقط قرار نبود خارج از ایران فیلمبرداری کنیم، بلکه باید آمریکای سال ۱۹۷۹ را بازسازی می‌کردیم؛ و این کار بسیار دشواری بود. در عمل، بخش اعظم فیلم در داخل ایران و در لوکیشن‌هایی که خودمان طراحی و ساخته بودیم فیلمبرداری شد. تنها چند پلان گذری در خارج از کشور گرفته شد. به نوعی می‌توان گفت تقریباً تمام فیلم در ایران ساخته شده، اما با طراحی صحنه و کارگردانی‌ای که مخاطب باور کند در آمریکا قرار دارد.

از نظر کارگردانی، چه تمهیداتی برای ایجاد این فضا در نظر گرفتید؟

من تلاش کردم فضای فیلم حال‌وهوایی جاسوسی، معمایی و حتی فشن‌محور داشته باشد. با داوود محمدی، مدیر فیلمبرداری، نقاشی‌ها و عکس‌های مرجع آن دوره را بررسی کردیم و سعی کردیم در رنگ، نور و میزانشن به آن فضا نزدیک شویم. امیدوارم در نهایت به نتیجه مطلوب رسیده باشیم.

در باره فیلمنامه و همکاری با نویسندگان اثر بفرمایید.

فیلمنامه توسط سید محمد حسینی نوشته شد و در ادامه مهدی ساعدی که تهیه‌کننده کار هم هستند، به فرآیند نگارش اضافه شدند.

آنچه برای من بسیار جذاب بود، پرداختن به موضوعی کمتر شنیده شده بود؛ قصه‌ای که به مافیای غذا، غلات و مناسبات اقتصادی جهانی می‌پردازد. این وجه از داستان برای من بسیار تازه و جذاب بود و باعث شد به همکاری ترغیب شوم.

به نظر می‌رسد فیلم از نظر فرم و محتوا با آثار رایج دفاع مقدس تفاوت دارد.

کاملاً همین‌طور است. اساساً قرار نبود فیلم شبیه آن چیزی باشد که مخاطب از سینمای دفاع مقدس در ذهن دارد. خوشبختانه بسیاری از کسانی که فیلم را دیده‌اند، همین تفاوت را مطرح کرده‌اند. این دقیقاً هدف ما بوده است.

امیراحمد انصاری، کارگردان:

نسل جدید بازیگرانی ارتباط
راحت‌تری برقرار می‌کنند

در ابتدا خلاصه‌ای از داستان فیلم «مارون» بفرمایید و بگویید این فیلم دقیقاً چه مقطعی از زندگی شهید هدایت‌الله طیب را روایت می‌کند؟

فیلم «مارون» روایت یک مقطع مشخص از زندگی شهید هدایت‌الله طیب است؛ شخصیتی که بسیاری او را با عنوان «چمران جنوب» می‌شناسند. شهید طیب از جمله افرادی بود که در اواسط دهه ۵۰، به‌عنوان دانشجوی بورسیه به ایالات متحده آمریکا اعزام شد و در دانشگاه ایالتی فلوریدا در رشته مهندسی کشاورزی تحصیل کرد.

فیلم، بخشی از فعالیت‌ها، زیست فکری و اجتماعی ایشان در آمریکا را روایت می‌کند و این مسیر، نهایتاً به شهادت ایشان منتهی می‌شود. ما تلاش کردیم به جای مرور کلی زندگی، روی یک برهه حساس، کمتر دیده‌شده و به‌شدت دراماتیک تمرکز کنیم.

در باره انتخاب بازیگران توضیح بدهید. به‌ویژه حضور دو برادر فتحی که محمدرضا فتحی، سال‌ها در آمریکا زندگی کرده است، انتخاب جالبی به نظر می‌رسد.

از همان ابتدا می‌دانستیم که بخش عمده‌ای از فیلم به زبان انگلیسی خواهد بود. حدود ۶۰ دقیقه از فیلم کاملاً انگلیسی‌زبان است. بنابراین برای ما بسیار مهم بود که بازیگرانی انتخاب کنیم که نه تنها بازیگر خوبی باشند، بلکه تسلط واقعی به زبان انگلیسی داشته باشند.

محمدرضا فتحی حدود ۹ سال در شیکاگو زندگی کرده و در فیلم نقش یک جوان آمریکایی‌لاتین به نام «خوان» را بازی می‌کند. او باید انگلیسی را با لهجه لاتین صحبت می‌کرد که خوشبختانه این کار را بسیار دقیق و باورپذیر انجام داد.

امیرحسین فتحی هم علاوه بر تسلط زبانی، از نظر فیزیکی و شمایل، ویژگی‌های یک قهرمان را داشت و توانست نقش شهید را به‌درستی ایفا کند.

از نظر ظاهری، امیرحسین فتحی چقدر به شهید طیب شباهت داشت؟

اگر بخواهیم خیلی سخت‌گیرانه نگاه کنیم، شاید نتوان گفت شباهت صددرصد وجود داشت، اما برای ما مهم‌تر از شباهت فیزیکی صرف، شمایل قهرمانانه و باورپذیری در قاب بود. به نظر من امیرحسین این

